۵۷ کشته در شورش خونین زندانیان برزیلی

مقامات برزیل از کشته شدن دست‌کم ۵۷ نفر به دنبال درگیری‌های خونین میان زندانیان زندانی در ایالت «پارا»ی این کشور خبر دادند.

به گزارش ایسنا، از ۵۷ قربانی این درگیری‌ها، ۱۶ زندانی گردن زده شده‌اند. شورش زندانیان ساعت ۷ صبح به وقت محلی در زندان شهر آلتامیرا در ایالت شمالی پارا میان باندهای رقیب در این زندان آغاز شده بود. در آغاز این درگیری‌ها یکی از باندهای زندان یکی از سلول‌های بند رقیب را به آتش کشید، که بیشتر قربانیان در همین آتش جان باخته‌اند. دو زندانبان نیز در ابتدا گروگان گرفته شده بودند که بعدتر آزاد شدند. مقامات زندان ادعا کرده‌اند این شورش که نوعی تسویه‌حساب میان دو باند خلافکار حاضر در زندان محسوب می‌شده، از قبل برنامه‌ریزی شده بود هر چند پیش از آن هیچ اطلاعاتی مبنی بر احتمال وقوع آن در دست نبوده است. ویدئوهای منتشر شده از این شورش، زندانیانی را نشان می‌دهد که با ضربه زدن به سرهای بریده قربانیان این حادثه، پیروزی خود را در این درگیری جشن می‌گیرند.

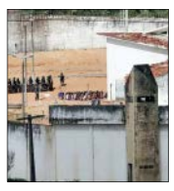

گزارش اختصاصی جام جم از محاکمه مقصران حادثه دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

داغی که هنوز داغ است

معصومه ملکی
گروه حوادث

دومین جلسه رسیدگی به پرونده محاکمه متهمان حادثه دانشگاه علوم و تحقیقات تهران که منجر به مرگ ده نفر شد در حالی در شعبه ۱۰۵۷ مجتمع کارکنان دولت برگزار شد که مقصران حادثه گناه جان باختن دانشجویان را گردن یکدیگر می‌انداختند. خانواده جان‌باختگان در گفت‌وگو با جام جم خواهان اشد مجازات برای مقصران حادثه شدند. حسام نواب صفوی، بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون که وکالت اولیای دم را برعهده دارد، در حاشیه دادگاه در مصاحبه با جام جم روند رسیدگی به پرونده را تشریح کرد. اما متهمان پرونده صحبت‌های خود را در جلسه دادگاه مطرح کرده در حاشیه دادگاه با خبرنگار جام جم صحبت نکرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ظهر چهارم دی سال گذشته، اتوبوس دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران در بلوار سیمون بولیوار واژگون شده و باعث مرگ هشت دانش‌آموز دختر و پسر، پدر یکی از آنها و راننده اتوبوس شد. هیات کارشناسی پس از بررسی صحنه حادثه و گفت‌وگو با مجروحان و دانشجویان، راننده اتوبوس، پیمانکار و دانشگاه آزاد را مقصر اعلام کردند. پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۰۵۷ مجتمع کارکنان دولت به ریاست قاضی عالیشاه ارسال شد. بیست و پنجم خرداد امسال نخستین جلسه دادگاه برگزار شد. یك ماه و نیم بعد و روز هشتم مرداد امسال دومین جلسه که آخرین جلسه دادگاه بود، برگزار شد. خانواده های قربانیان در این جلسه خواستار اشد مجازات مقصران حادثه بودند.

دانشگاه، حفاظ و گاردریل به درستی نصب نکرده بود

در جلسه دیروز، مرد جوانی که پیمانکار سرویس‌دهی اتوبوس دانشجویان بود در آخرین دفاعش گفت: من ۳۳/۳۳ درصد مقصر شناخته شدم که عادلانه نیست دانشگاه هم به اندازه من مقصر شود. دانشگاه در بخشی از مسیر حرکت اتوبوس آلماتوربندی برای تاسیسات آب انجام داده است. نرده‌کشی، حفاظ و گاردریل به‌درستی در مسیر اتوبوس نبود و باید دانشگاه در این رابطه اقدام می‌کرد. وظیفه شرکتم فقط سرویس‌دهی بود. قرارداد من و دانشگاه یك‌طرفه بود و اگر تخلفی داشتم باید دانشگاه فسخ می‌کرد. در قراردادمان آمده بود که اتوبوس‌های کارکنان باید با دانشجویان فرق کند. دانشگاه برخی فاکتورهای مالی‌ام را نپرداخت و ۱۴۳ میلیون تومان ضرر کردم. آنها باید برکارمان نظارت می‌کردند که انجام نگرفت.

وی افزود: ۲۸ ماه با دانشگاه همکاری و ۱۲ ساعت در روز سرویس‌دهی داشتیم. اگر اتوبوس نقص داشت اجازه حرکت نمی‌دادند. هشت اخطاری که از دانشگاه گرفتیم، درباره وسایل گرمایشی، سرمایشی و صدای ضبط و ... بود. دانشگاه باید با پایان گرفتن معاینه فنی اتوبوس دوباره از راننده آن را می‌خواست که معاینه فنی بگیرد.

پیمانکار باید نظارت بیشتری انجام می‌داد

در ادامه رضا مسعودی، رئیس دانشگاه علوم و تحقیقات تهران که اتهامش مشارکت در قتل غیرعمدی هفت مرد و سه زن مسلمان بود در آخرین دفاع از خودش، بعد از تسلیت به خانواده‌ها گفت: پیمانکار باید بر وضعیت راننده و اتوبوس که سرویس‌دهی می‌کرد نظارت بیشتری انجام می‌داد. وکلای رضا مسعودی معتقد بودند، چون او در زمان حادثه سه ماه بوده که مدیر دانشگاه شده نباید اتهامی متوجه او و مسؤولان دانشگاه باشد چون راننده و پیمانکار درست عمل نکردند. همچنین جاده داخل دانشگاه مربوط به ۳۰ سال پیش بوده و مربوط به زمان فعالیت رئیس جدید دانشگاه نبوده است.

در این لحظه نماینده دادستان به حرف‌های وکلا واکنش نشان داد و گفت: هر چند رئیس جدید در زمان حادثه سه ماه بوده که مدیر شده، اما در محوطه دانشگاه در تردد بوده و شرایط مسیر و وضعیت سرویس‌دهی را می‌دانسته، هیات هفت‌نفره کارشناسی میزان مقصران را قانونی تعیین کرده، دانشگاه قرارداد داشته و باید ناظر کار پیمانکار باشد.

رئیس دادگاه سپس ختم رسیدگی به پرونده را اعلام کرد و قرار است در مهلت قانونی حکم صادر شود.

هدفم احقاق حق قربانیان حادثه است

حسام نواب صفوی، وکیل خانواده قربانیان حادثه تصادف اتوبوس دانشگاه علوم و تحقیقات تهران در حاشیه برگزاری دومین جلسه رسیدگی به این پرونده به جام جم گفت: با چند نفر از خانواده قربانیان حرف زدم و قرار شد وکالت همه آنها را برعهده بگیرم و برای احقاق حق این خانواده‌ها که دختران و پسران دانشجوی خود را از دست داده و داغدار شده‌اند، تلاش خود را آغاز کردم و همچنان در این رابطه گام‌های موثری برخواهم داشت.

وی افزود: جوانان ما قربانی بی‌مبالاتی مسؤولان و عدم نظارت آنها برحمل و نقل دانشجویان شدند و این حادثه تلخ رقم خورد. روند تحقیقات و رسیدگی به پرونده چه در دادسرا و چه در دادگاه خوب بوده و قانونمند برگزار شد. نخستین جلسه چندی پیش برگزار شد که در آن شکایت خانواده دانشجویان جانباخته به ثبت رسید و کیفرخواست نیز قرائت شد. وکیل پرونده ادامه داد: خانواده شاکیان پرونده خواستار اشد مجازات برای مقصران و عاملان این حادثه هستند، بعد از تصدی آقای رئیسی در منصب ریاست قوه قضاییه پرونده حادثه علوم و تحقیقات که جزو پرونده‌های مهم کشور است در دادگاه کارکنان دولت مورد رسیدگی قرار گرفت.

من و خانواده‌های قربانیان به قوه قضاییه اطمینان کامل و دقیقی داریم و می‌خواهیم حکم قاطعانه‌ای در این باره صادر شود تا شاهد حوادث ناگوار دیگری نباشیم.

وی تصریح کرد: من به طور رایگان و برحسب مسؤولیتی که به عنوان یك وکیل در جامعه احساس می‌کردم، وکالت این پرونده را برعهده گرفتم و قاطعانه برای احقاق حق خانواده‌های قربانیان تلاش می‌کنم.

وکیل اولیای دم:
می‌خواهیم حکم قاطعانه‌ای در این‌باره صادر شود تا شاهد حوادث ناگوار دیگری نباشیم

عکس‌ها:
چاوش هماوندی

مجازاتی برای درس عبرت

فریناز در این حادثه همسر و دخترش را از دست داد و همراه دختر دیگرش به دادگاه آمده است.

او درباره روز حادثه به جام جم می‌گوید: دخترم و پدرش برای کارهای پایان‌نامه سارا به دانشگاه رفته بودند. ساعاتی بعد از رفتن آنها از طریق دوست دخترم متوجه ماجرا شدم. دخترم را به بیمارستان رسول اکرم(ص) و شوهرم را به بیمارستان شریعتی برده بودند. زمانی که بر بالین هر دو حاضر شدم، فوت کرده بودند.

این مادر داغدیده گفت: کوتاهی مسؤولان دانشگاه باعث شد این خانواده‌ها داغدار شوند. چرا مسؤولان دانشگاه با این‌که می‌دانستند در شیب تند جاده داخل علوم و تحقیقات احتمال خطر تصادف و واژگونی وجود دارد و نباید از اتوبوس‌های فرسوده استفاده کرد، کوتاهی کردند. راننده اتوبوس خودش شش فرزند داشت و آنها نیز بعد از فوت پدرشان داغدار شدند. بعد از این حادثه متوجه شدیم راننده دو ماه مانده بوده به بازنشستگی‌اش. او مالك اصلی اتوبوس نبود و فقط راننده بود. مالك اتوبوس هم ماشین ۶۰ میلیونی را قسطی خریده بود. عاملان حادثه قاطعانه مجازات شوند تا درس عبرتی برای افراد خطاکار باشد که این چنین با جان دانشجویان بازی نکنند.

تا آخرین نفس می‌جنگم

امیرباب الحوائج در این حادثه دختر ۲۶ ساله‌اش را به نام نگار از دست داد. او و همسرش با گذشت هفت ماه از پرکشیدن دخترشان هنوز مرگ او را باور نکرده‌اند و منتظرند دخترشان از دانشگاه به خانه برگردد. پدر که هنوز سیاهپوش دخترش است، می‌گوید: نگار تنها فرزندمان بود و هر لحظه‌ای که می‌گذرد، بی‌تاب او هستیم و نمی‌توانیم باور کنیم که او برای همیشه رفته است. روز چهارم دی سال گذشته به دانشگاه رفته بود تا وقت دفاعش را برای ۱۵ دی بگیرد. قرار بود بعد از پایان دفاعش به شهرمان همدان برگردد و برای او جشن فارغ‌التحصیلی بگیریم، اما با سهل‌انگاری مسؤولان دانشگاه پس از بازگشتش به شهرمان برای او مجلس ختم گرفتیم.

پدر داغدیده ادامه داد: من و همسرم تحت درمان روانپزشك هستیم تا شاید بتوانیم کمی درد این غم را تحمل کنیم. هر چند راننده و پیمانکار هم در این حادثه تصادف مقصر بودند، اما مقصر اصلی مسؤولان دانشگاه علوم و تحقیقات بودند که با بی‌توجهی به جان دانشجویان، این بلا را سر بچه‌هایمان آوردند. آنها بهترین اتوبوس‌ها را برای استادان و کارکنان خود گذاشتند و فرسوده‌ها مخصوص دانشجویان بود. مسؤولان دانشگاه باید به اشد مجازات محکوم شوند. دانشگاه هر ترم از هر دانشجو ۱۵۰ هزارتومان بابت هزینه ایاب و ذهاب می‌گرفت، اما هیچ امکانات درستی به آنها نمی‌داد. آنها با جان بچه‌هایمان برای سود مالی خودشان بازی کردند. ۳۰ تیر امسال تولد نگارم بود که بر سر مزارش رفتیم. امسال اولین تولدی بود که او نبود و بدون دخترم تولدش را برگزار کردیم. تا آخرین نفس برای احقاق حق دخترم می‌جنگم تا خانواده دیگری داغدار فرزندشان نشوند. مسؤولان دانشگاه در این مدت به هیچ‌کدام از وعده‌هایشان عمل نکردند.

متهمان در جلسه دادگاه انگشت اتهام را به سمت یکدیگر نشانه رفته و مدعی شدند سهل‌انگاری طرف مقابل باعث حادثه شده

حاشیه‌های دادگاه

- در حالی که قرار بود دادگاه ساعت ۱۰ صبح آغاز شود، خانواده قربانیان ساعت ۸ صبح در مقابل مجتمع کارکنان دولت حاضر شدند.
- پدر و مادر دانشجویان، قاب عکس عزیزان از دست‌رفته‌شان را در آغوش گرفته بودند.
- ساعت ۹ و ۲۵ دقیقه پیمانکار دانشگاه مقابل دادگاه رسید که با اعتراض خانواده قربانیان درباره استفاده نکردن از اتوبوس‌های نو روبه‌رو شد.
- ساعت ۹ و ۳۵ دقیقه، حسام نواب صفوی، وکیل قربانیان در محل حاضر شد و به گفت‌وگو با آنها پرداخت.
- عقربه‌های ساعت که به عدد ۱۰ صبح رسید، خانواده‌ها همراه وکیل جانباختگان وارد سالن دادگاه شدند.
- در حالی که اعلام شده بود راس ساعت ۱۰ صبح دومین جلسه محاکمه انجام می‌گیرد، این جلسه با ۱۵ دقیقه تاخیر آغاز شد.
- آرام صحبت کردن رئیس دانشگاه علوم و تحقیقات هنگام دفاعیاتش با اعتراض اولیای دم روبه‌رو شد.
- رئیس دانشگاه علوم و تحقیقات و وکیل او، راننده و شرکت پیمانکاری را مقصران اصلی معرفی کردند که باعث اعتراض اولیای دم و نماینده دادستان شد.
- دومین جلسه دادگاه ۸۵ دقیقه طول کشید.

وکیل محمدعلی نجفی دیروز پس از ابلاغ حکم به جام جم خبر داد

آغاز مذاکرات برای جلب رضایت

حکم قصاص نجفی در حالی صادر شده که وکلای او مذاکرات برای جلب رضایت اولیای دم را آغاز کرده‌اند.

حمیدرضا گودرزی، یکی از وکلای محمدعلی نجفی، دیروز پس از ابلاغ حکم به جام جم گفت: در ابتدا نمی‌توانستیم با اولیای دم مذاکره کنیم، اما بعد از جلسات دادگاه، موفق به مذاکراتی برای جلب رضایت با اولیای دم شدیم که هنوز به نتیجه نرسیده است. وی درباره انتشار اخباری مبنی بر رضایت با دریافت دیه میلیاردی گفت: همان‌طور که گفتم مذاکراتی با خانواده مقتول داشته‌ایم که به نتیجه نرسیده است. بنابراین مطالب منتشر شده را تایید نمی‌کنم. وی در خصوص رای دادگاه هم اظهار کرد: من و آقای نجفی معتقدیم که قتل به صورت غیرعمد بوده و در دادگاه هم تلاش کردیم آن را اثبات کنیم. حالا با صدور حکم دادگاه به آن اعتراض می‌کنیم و دلایل و مدارك خود را به دیوان عالی کشور ارائه می‌دهیم. توقعی که از دیوان عالی کشور داریم این است که به این اعتراض ما توجه کرده و نقایص را رفع کنند چراکه ما در این پرونده با ابهاماتی روبه‌رو بوده‌ایم.

یکی از وکلای اولیای دم هم در پاسخ به پرسشی در خصوص احتمال بخشش اولیای دم گفت: ما تلاش خواهیم کرد که باب مذاکره باز شود ولی شرایط صدرصدی وجود ندارد و خانواده استاد نسبت به تصمیم مهمی که می‌گیرند، مخیر هستند. احساس می‌کنیم که بعد از صدور حکم قصاص، شرایط بیشتر از قبل برای مذاکره فراهم شود.

مسعود استاد، برادر مقتول از طرف پدر و مادر و خواهرزاده‌اش پیگیر پرونده است و همه نگاه‌ها به اعلام بخشش توسط اوست. وی در آخرین واکنش به احتمال بخشش نجفی با دریافت دیه ده میلیاردی گفت: برخی کانال‌های تلگرامی خبر کذبی مبنی بر مذاکره اینجانب و آقای نجفی در جلسه دادرسی با موضوع مصالحه در ازای مبلغ ده میلیارد تومان منتشر کردند که آن را تکذیب می‌کنم. اگر بخواهیم رضایت دهیم شرط ما شاید کمك به زنان بدسرپرست باشد، اما حالا فقط قصاص می‌خواهیم. وکیل نجفی هم مطالب مطرح شده درباره دریافت دیه میلیاردی برای رضایت را رد کرد.

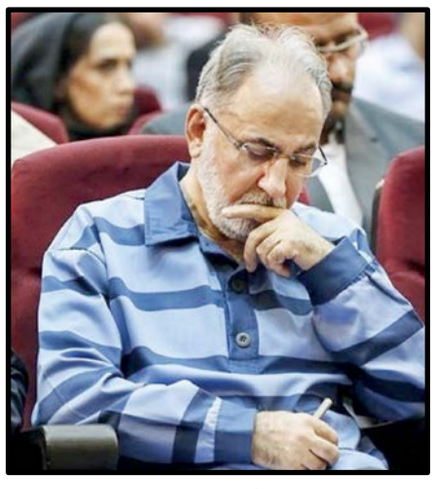

در این پرونده محمدعلی نجفی متهم است هفتم خرداد امسال همسر دومش به نام میترا استاد را با شلیك پنج گلوله در حمام خانه‌شان به قتل رساند.

نجفی پس از تسلیم کردن خود درباره انگیزه‌اش گفت: به خاطر اختلافاتی که با همسرم داشتم و برای ترساندن او به حمام خانه رفتم که او ترسید و دستانش را روی شانه‌ام گذاشت و بعد دستم را گرفت. در این گیر و دار پنج گلوله شلیك شد که یکی از گلوله‌ها به سینه میترا اصابت کرد. نجفی در ادامه در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و تاکید کرد قتل به صورت ارادی و عمدی نبوده است.

هشت روز بعد از آخرین جلسه محاکمه ،سخنگوی قوه قضاییه دیروز از صدور حکم مجازات نجفی خبر داد و گفت: در کیفرخواست سه عنوان اتهامی قتل عمد، ایراد صدمه غیرموثر در قتل و نگهداری سلاح غیرمجاز عنوان شده بود که دادگاه قتل عمد را محرز دانسته و حکم به قصاص صادر کرده است.

اسماعیلی افزود: در ارتباط با صدمه غیرموثر در قتل، دادگاه رای برائت صادر کرد و همچنین در ارتباط با نگهداری سلاح غیرمجاز به دو سال حبس محکوم شد.

پیگیری

گره کور در پرونده مرگ مرموز مهندس شیمی

وقتی همسر صیغه‌ای مهندس شیمی، قتل وی را منکر شد، پرونده به ایستگاه قسامه رسید. قرار است ۵۰ نفر از بستگان نسبی مهندس شیمی در دادگاه حاضر شوند و سوگند بخورند که همسر صیغه‌ای‌اش، او را از پنجره به پایین هل داده است.

به گزارش جام جم، اواخر تیرماه سال ۹۲ زن جوانی به کلانتری سیدخندان رفت و از ناپدید شدن شوهرش به نام منصور ۴۴ ساله که مهندس شیمی و مقیم کشور آلمان بود، خبر داد. وی گفت: من و همسر و دختر و پسرم در آلمان زندگی می‌کنیم. همسرم مدتی پیش برای تاسیس یك شرکت به ایران آمد و ما چند ماه بعد به ایران برگشتیم. همسرم به‌تازگی یك زن جوان به نام فتانه را صیغه کرده است. اما دو روز است از همسرم بی‌خبرم و وقتی به خانه مشترك آنها رفتم، متوجه شدم همه وسایل گرانقیمت خانه سرقت شده است.

با شکایت این زن، فتانه بازداشت شد. در در حالی که این زن خودش را بی‌اطلاع از سرنوشت شوهر صیغه‌ای‌اش نشان می‌داد، پلیس جسد مجهول‌الهویه یك مرد که صورت وی سوخته بود را در حاشیه تهران پیدا کرد. نشانی‌های جنازه سوخته با منصور مطابقت داشت. به این ترتیب همسر منصور به پزشکی‌قانونی رفت و جنازه همسرش را شناسایی کرد.

پلیس در گام بعدی از تحقیقات بار دیگر به بازجویی از فتانه پرداخت و این زن به قتل همسرش با همدستی برادرش اعتراف کرد و گفت، شوهر سابقش نیز در حمل جسد به وی کمك کرده است.

فتانه و برادرش فرهاد در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در آن جلسه مترجم پسر قربانی که قادر به صحبت کردن به زبان فارسی نبود، برای عاملان جنایت حکم قصاص خواست. پدر مقتول نیز گفت: من حقوقدانم و برای قاتلان پسرم قصاص می‌خواهم.

سپس فتانه در جایگاه ویژه ایستاد و ادعای تازه‌ای مطرح کرد. وی گفت: به عقد موقت منصور درآمده و قرار گذاشته بودم بعد از این‌که منصور همسر اولش را طلاق داد به عقد دائم او دربیایم. آن روز منصور به خانه‌ام آمده بود که به خاطر تلفن‌های مشکوك منصور، با او درگیر شدم. همان موقع با برادرم تماس گرفتم تا برای حل اختلاف به خانه‌مان بیاید. برای این‌که منصور با برادرم درگیر نشود، دست‌های او را با بایك پارچه بستم. فرهاد با منصور صحبت کرد تا او آرام شود. منصور با دست‌های بسته به اتاق‌خواب رفت و من و برادرم در پذیرایی خوابیدیم. نزدیك صبح بود که به اتاق‌خواب رفتم و متوجه شدم منصور خودش را از پنجره به حیاط خانه پرت کرده است. من و فرهاد پایین رفتیم و جسد را به طبقه سوم آوردیم. همان‌موقع خانه را ترك کردیم و به پارك بعثت رفتیم.

وی ادامه داد: نزدیك ظهر بود که برای برداشتن مدارك به خانه برگشتم ولی چون همسایه‌ها در حیاط جمع شده و مشغول شستن خون‌ها بودند مجبور شدم تا شب در خانه و کنار جسد بمانم. نیمه‌شب بود که با شوهر سابقم تماس گرفتم و از او برای حمل جنازه کمك خواستم. جسد را با همدستی آنها در صندوق‌عقب ماشین گذاشتیم و به حاشیه شهر بردیم. من خودم روی صورت شوهرم بنزین ریختم و آن را آتش زدم تا پلیس نتواند او را شناسایی کند.

این زن گفت: شوهر سابقم که حالا به اتهام مشارکت در حمل جنازه با وثیقه آزاد شده است در دادگاه حضور ندارد، اما باور کنید برادرم هم در قتل دستی نداشته است.

سپس فرهاد به دفاع پرداخت و حرف‌های خواهرش را تایید کرد.

در پایان جلسه قضات پرونده را برای بررسی دوباره و تحقیقات تکمیلی به دادسرا برگرداندند. با تکمیل تحقیقات دیروز پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران تحت رسیدگی دوباره قرار گرفت و قضات دادگاه پرونده را لوث تشخیص و حکم به برگزاری مراسم قسامه دادند. دیروز اولیای دم از دادگاه مهلت گرفتند تا ۵۰ نفر از بستگان نسبی خود را برای ادای سوگند به دادگاه معرفی کنند. قرار است ۵۰ نفر از بستگان نسبی قربانی سوگند بخورند که فتانه و برادرش قاتل هستند تا برای آنها قصاص صادر شود.